

# آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشتغال

محمد شریف‌زاده

**کلیدواژه‌ها:** آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اشتغال، توسعه. پیدایش ابزار و شکل‌گیری حرفه، با شکل‌گیری فرهنگ و ساختارمند شدن زبان و توسعه جامعه قرین است. نمی‌توان بین پیدایش فرهنگ و فناوری (تکنولوژی) فاصله‌ای قائل شد. زیرا انسان زمانی که ابزار ساز گردید انسانی اندیشه‌ورز و با فرهنگ بود. در فرهنگ دینی و ملی ما کار و اهمیت پیشه‌ها و هنرها از قداست و اهمیت خاصی برخوردار است.

در این باره در قابوس‌نامه، تألیف عنصر المعالی کیکاوس ابن اسکندر، می‌خوانیم: «هر چند پیشه، نه کار کودکان آ، که کار محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر؛ اما از روی حقیقت، نزدیک من، پیشه بزرگ‌ترین هنر است». در سده‌های اخیر نیز آموزش فنون و مهارت‌ها، علاوه بر کارگاه‌ها و مراکز مختلف اشتغال، حتی در مدارس که غربیان در ایران تأسیس کردند مورد توجه بوده است. چنان‌که پرکینز آمریکایی، صرف‌نظر از مقاصد خاصی که غالباً مسیونرهای مذهبی داشتند، مدرسه‌ای برای درس علمی و عملی را در دوره قاجار در تبریز تأسیس می‌کند. هم‌چنین، در این دوران شاهد تأسیس دارالفنون هستیم. به تدریج، با عمومی‌تر شدن کار تعلیم و تربیت، تأسیس مدارس متعدد در شهرهای بزرگ و کوچک ایران هم‌چنان ادامه یافت، اما به دلیل درک نشدن ضرورت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی، مدارس، بیش‌تر در جهت آموزش‌های تئوری و فاصله گرفتن از تعلیم فنون و حرفه‌ای مورد نیاز جامعه گسترش یافت.

این رشد ناهم‌گون تا آن‌جا پیش رفت که شمار دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای حتی به میزان یک پنجم دانش‌آموختگان دبیرستان‌های نظری نیز نرسید. در حالی‌که نیاز جامعه به نیروی ماهر و حرفه‌ای به شدت احساس می‌شد. از سوی دیگر، با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه، نقش

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه جامعه واقعی‌تری انکارناپذیر تلقی می‌شود.

اگر بخواهیم تعریفی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه دهیم، باید بگوییم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌هایی است که می‌تواند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده کند یا کارآیی و توانایی وی را در انجام آن افزایش دهد. این آموزش‌ها کمک می‌کنند تا در راستای فناوری و علوم وابسته، به همراه دانش‌های خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهارت‌های لازم کسب گردد.

## نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه جامعه واقعی‌تری انکارناپذیر تلقی می‌شود

با توجه به تعریف فوق، انتظار می‌رود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتواند، شیوه آموزش را به گونه‌ای طراحی کند که مهارت‌های لازم را به هنرجویان ارائه نماید. آموزش مهارت‌های لازم باید در راستای نیازهای جامعه باشد. در غیر این صورت، جامعه قدرت جذب آن‌ها را نخواهد داشت.

آموزش مهارت‌ها، ضمن آن‌که باید با نیازهای جامعه و سطح توسعه یافتگی آن متناسب باشد، باید بتواند فناوری‌های نوین را نیز مورد توجه قرار دهد.

هم‌چنین، در آموزش مهارت‌ها نباید فرهنگ جامعه را مورد غفلت قرار داد. از این منظر، پرورش نیروهای فنی و حرفه‌ای و به تبع آن توسعه تکنولوژی باید همگام و متوازن با رشد فرهنگی جامعه باشد، زیرا نبودن هماهنگی و توازن بین فرهنگ و تکنولوژی، به استفاده نادرست و نامطلوب از تکنولوژی منجر می‌شود.

اگر نکات یاد شده در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که همراه با توسعه یافتگی جامعه و پرورش نیروهای مؤثر در آن، اشتغال نیروهای فعال جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای صورت

پذیرد. در نتیجه، نقش آموزش و پرورش در خصوص تربیت نیروهای فنی و توسعه صنعت و فناوری جامعه پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر می‌شود.

حال، اگر آموزش و پرورش نتواند در این قسمت نیروهایی را در شاخه فنی و حرفه‌ای تربیت کند که مورد نیاز بخش صنعت جامعه باشد یا توانایی لازم را برای فعالیت در این بخش نداشته باشند، به تدریج، بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مؤثرتری را ایفا می‌کند و مورد استقبال بیشتر مردم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای، نسبت به آموزش‌های رسمی در تأثیر بر توانمندی شغلی اولویت پیدا می‌کنند.

یکی از تنگناهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو هم‌گون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن و هماهنگی حتی در درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های مختلف، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد.

### انتظار می‌رود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتواند، شیوهی آموزش را به گونه‌ای طراحی کند که مهارت‌های لازم را به هنرجویان ارائه نماید

آموزش مطلوب فنی و حرفه‌ای در هر جامعه عبارت از توازن بین این بخش‌ها با یکدیگر و توجه کردن به نیازها و مقتضیات جامعه است. طبیعی است در یک جامعه کشاورزی باید محور آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت رشد و توسعه این نوع آموزش‌ها باشد، همین‌طور در یک شهر صنعتی فاقد زمین‌های حاصل‌خیز، باید به صنعت و گسترش آن اندیشید.

از آنجایی که کشور ایران، هم از لحاظ زمین‌های قابل کشت و هم از جنبه سطح توسعه یافتگی، در زمینه کشاورزی از توانمندی‌های مطلوبی برخوردار است، انتظار می‌رود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت خود را در این راستا طراحی نمایند.

یکی از دلایل خالی شدن روستاها از سکنه و بلااستفاده ماندن زمین‌های قابل کشت و مهاجرت افراد به شهرها و پیدایش حومه‌نشینی، بی‌توجهی به بخش کشاورزی، ارائه نشدن آموزش‌های علمی در این بخش و

سنتی بودن آن است. این عوامل فعالیت در این بخش را برای قشر تحصیل‌کرده فاقد جذابیت لازم ساخته است. از سوی دیگر، توسعه نامتوازن بخش خدمات در شهرها بر جذابیت شهر افزوده و جوانان روستایی را راهی شهرها نموده است.

### یکی از تنگناهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو هم‌گون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن و هماهنگی حتی در درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های مختلف، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد

هم‌اکنون، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در وزارت آموزش و پرورش تلاش می‌کند با شناخت درست از نیازهای جامعه، وضعیت اشتغال، چگونگی توسعه و همپا و همگام شدن با فناوری‌های نوین، سامانه آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی کشور را به گونه‌ای طراحی نماید که (۱) موجب جذب دانش‌آموزان مستعد در این بخش شود. (۲) توسعه رشته‌ها در هر یک از بخش‌های فنی و حرفه‌ای، متناسب با نیازهای جامعه و در راستای فرایند پیشرفت جامعه باشد.

(۳) در برنامه‌ریزی‌ها به پیامدهای مثبت و منفی برنامه‌ها، با توجه به سنجش آن در شرایط واقعی جامعه، توجه شود. (۴) در توسعه رشته‌ها و بخش‌های صنعتی، به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه شود.

(۵) توسعه هنرستان‌ها در هر منطقه براساس نوع فعالیت‌های زندگی آن‌ها طراحی شود. آموزش مهارت‌های غیرمرتبط با دام‌پروری در یک جامعه عشایری یا بدون ارتباط با کشاورزی در مناطق کشاورزی، نه تنها نیروی کار آن جامعه را از آن‌ها می‌گیرد، بلکه به دلیل نوع آموزش‌های ارائه شده، زندگی افراد را در مناطق عشایری و کشاورزی ناممکن می‌سازد و افراد به ناچار براساس توانمندی علمی خود راهی شهرها می‌شوند. در آن‌جا نیز، به دلیل افزونی نیروی کار بر نیروی مورد نیاز، شاهد پیدایش شغل‌های کاذب خواهیم بود، ضمن این‌که زمین‌های کشاورزی و دام، که قسمت عمده‌ای از منابع تأمین غذای مردم یک جامعه را دربرمی‌گیرند، به تدریج بلااستفاده و نابود می‌شوند.